

## پدیدارشناسی مفهوم روستا از دیدگاه روستاییان: موردپژوهی: روستاهای سُمغان و مُلای انبار شهرستان کوه‌چنار

علی پورقیومی<sup>۱</sup>، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری<sup>۲\*</sup>، مهدی پورطاهری<sup>۳</sup>

۱- دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس

۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۱۰

### چکیده

در این پژوهش، تعریف روستا مفهوم‌سازی شده است. در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درباره این مفهوم، از دیدگاه جمعیتی به مسئله نگاه شده که خود مانع موشکافی شدن درست آن شده است. داشتن تعریفی درست به همراه واقعیت‌های روستایی به اندیشمندان و برنامه‌ریزان توسعه این گزینه را می‌دهد که همسو با نیازها و خواسته‌های بهره‌وران، چه در خود روستا و چه در سطح بالاتر، گام‌های اثربخشی را برای توسعه پایدار این گستره‌ها بردارند. بنابراین، بازتعریف درست و دقیق این نواحی ضرورت این پژوهش را آشکار کرده است. این پژوهش با روش‌شناسی کیفی و روشی پدیدارشناسانه برپایه تجربه‌های زیسته و دارای راهبردی استقهامی-قیاسی و با مشارکت ۵ گروه روستایی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از ۱۰ مفهوم برای تعریف روستا است که دربرگیرنده مفهوم‌های جمعیتی-جغرافیایی، کارکردی، همبستگی اجتماعی، جامعه‌شناختی، روان-شناختی، زیبایی‌شناختی-معماری، محیط‌زیستی، نهادی، سیستم و نظام و لکه‌ای-فضایی است. همچنین، تعریف روستا با همکاری مشارکت‌کنندگان پیشنهاد شد.

**واژگان کلیدی:** پدیدارشناسی، مفهوم روستا، سُمغان، مُلای انبار، شهرستان کوه‌چنار.

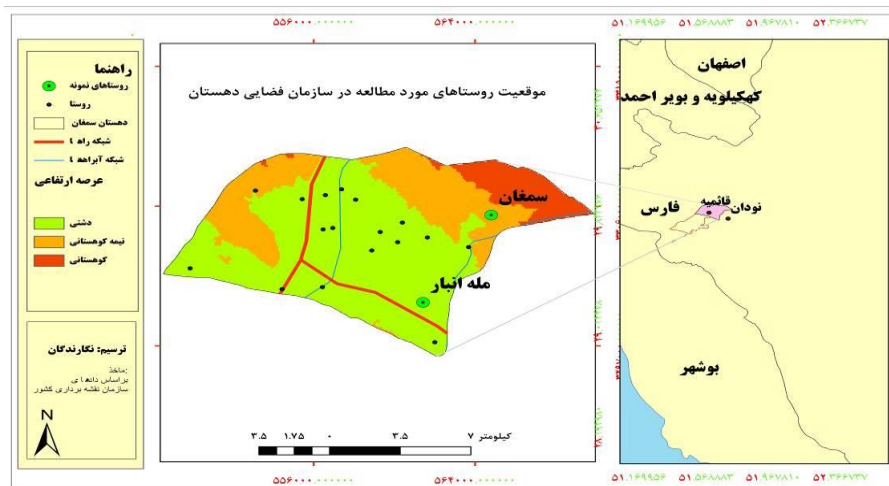
این پژوهش بخشی از برونداد رسالهٔ تدوین برنامه‌ریزی فضایی راهبردی کیفیت مناطق روستایی است که در دانشگاه تربیت‌مدرس دفاع شده است.

E-mail : [eftekhaha@modares.ac.ir](mailto:eftekhaha@modares.ac.ir)

\*نویسنده‌ی مسئول :

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

دو روستای سُمغان و مُله‌انبار در غرب استان پارس، شمال شهرستان کوه‌چنار و در بخش مرکزی و بخش کوهمره واقع شده‌اند (شکل ۱). روستای نخست مرکز دهستان سُمغان و دومین روستا مرکز دهستان کوهمره است. روستای مُله‌انبار پرجمعیت‌ترین روستای شهرستان است که از نظر پوشش گیاهی پوشیده از جنگل بلوت است و در دشت میان‌کوهی قرار دارد. فعالیت‌های پایه اقتصادی در روستاهای مزبور به ترتیب کشاورزی (باغداری) و خدمات است. با استناد به بررسی‌های اکتشافی نخستین (2019، 2018)، این دو روستا با کشاکش‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی روبه‌رو هستند. خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی در این سکونتگاه‌ها بدون مشارکت بهره‌وران و بیشتر به‌روش از بالا به پایین بوده و پیامدهای اجرای این سیاست‌ها بی‌توجهی به بن‌مایه درونی جریان‌های فضای زیست شهروندان (فعالیت و کسب‌وکارها) با کیفیت محیطی پایین بوده است. مفهوم‌سازی دوباره واژه‌های مانند روستا آموزنده و راهی به‌سوی باز شدن نیازها و خواسته‌های یک سکونتگاه روستایی است؛ زیرا از راه پیوند میان اجزای به‌هم‌پیوسته آن و با نگاهی سامانمند با توجه به رویکردهای جدید توسعه، می‌تواند به‌عنوان نهادی برای روشن کردن ابعاد آن مطرح باشد. نیک می‌دانیم تا زمانی که پنداره، تعریف و بازگوکننده یک واژه با پروای به این رویکردها، به‌ویژه توسعه بومی محلی برای ذی‌نفعان توسعه (به‌ویژه توسعه روستایی) آشکار نباشد، شاید برنامه‌ریزی‌های پیش‌رو با چالش روبه‌رو شوند.



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

همچنین تعریف درست و روشنی از جستار روستا و روستایی، به‌ویژه زمانی که هدف به‌دست آوردن شناخت بایسته برای برنامه‌ریزی و بهینه‌سازی کارکرد سیستم باشد، نخستین گام به‌شمار می‌آید. جوامع و سکونتگاه‌های مردمی را به دو گروه پایه‌ای روستاها و شهرها بخش‌بندی می‌کنند. شهرها و شهرک‌ها و پیرامون آن‌ها را بیشتر گستره‌های شهری می‌نامند و دیگر بخش‌های سرزمین گستره‌های روستایی خوانده می‌شوند. با اینکه همه ما روزانه با پنداشت‌های روستا، شهر، جامعه و گستره‌های روستایی و شهری سروکار داریم و بیشتر آن‌ها را به‌کار می‌بریم، به‌دست دادن تعریفی فراگیر و مانع از این پنداشت‌ها، به‌گونه‌ای که مرز آن‌ها به‌روشی روشن شناخته شود، کاری دشوار و گاه مانند بسیاری از پنداشت‌های اجتماعی و انسانی شدنی نیست. در گام نخست، شاید به‌نظر برسد که ناهمگونی‌های آشکاری از دید جمعیتی یا زیست‌میان روستا و شهر هست که می‌تواند پایه‌ی تعریف ما از این واژه باشد؛ ولی درعمل گوناگونی و گستردگی سیما و درون‌مایه روستا و شهر و هم-پوشی و درهم‌تنیدگی آن‌ها به‌کارگیری این سنج‌ها را به‌تنهایی نارسا و ناکافی می‌کند (Jomehpour, 2010: 9). نواحی روستایی گوناگون بسیاری وجود دارد که از لحاظ ناهمسانی در چشم‌انداز و محیط طبیعی و داشتن پیشینه‌های گوناگون، الگوهای سکونتگاهی و انبوهی جمعیت، دورافتادگی یا همسایگی کمابیش با کانون‌های کلان‌شهری، ساختارهای ناهمسان اقتصادی، گونه‌های فعالیت کشاورزی، پیشرفت‌های صنعتی و دگرگونی‌های اقتصادی، الگوهای گوناگون کوچ و آمیختن دوباره جمعیت، از یکدیگر جدا شده‌اند. تجربه‌ها و انتظارات زندگی روستایی تحت‌تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی مردمان، جنسیت، سن، قومیت و جهت‌گیری جنسیتی و دیگر ویژگی‌های شخصی آن‌ها قرار دارند (Woods, 2011: 501). این گوناگونی سبب می‌شود که ارائه تعریفی یکسان و بی‌طرفانه از روستا که برای جداسازی فضاهای روستایی و شهری به‌کار برود یا جوامع و اقتصاد روستایی را از جوامع و اقتصاد شهری جدا کند، دشوار باشد. با این‌همه، به این چم نیست که پنداشت «روستا» دلخواه جغرافی‌دانان و دانشمندان علوم اجتماعی نیست. «روستا» هنوز هم پنداشتی جهان‌شمول در جامعه امروزین است و چگونگی شکل‌گیری «زندگی روستایی» به‌دست مردم و نهادهای اجتماعی در بازساخت آن دسته از گستره‌هایی که ادعای روستایی بودن دارند و نیز بر واکنش‌های برگرفته و تجربه‌های فراگشت روستایی مردمان کارایی راستین دارد (Ibid: 502). مشکلات و مسائل گستره‌های روستایی بسیار است و هر گستره روستایی مسائل و مشکلات ویژه خود را دارد که توجه به آن‌ها اولویت‌های موجود در مسیر آن را بازتاب می‌دهد و می‌تواند در گزینش راهبرد همسو با توسعه روستایی سودمند باشد. مهم‌ترین این مشکلات فقر، نابرابری درون-



جامعه روستایی، کوچ، تهی‌سازی روستایی، آسیب‌پذیری محیطی، بیکاری و کار، محرومیت و نابسامانی نظام استقرار هستند (Rezvani, 2011: 21-13). برای رفع این موارد، لازم است که در گام نخست، ذی‌نفعان برنامه‌ریزی و مردم دریافت و پنداشت درستی از روستا داشته باشند و سپس برای آن چاره‌جویی و برنامه‌ریزی کنند.

روستا و مکان روستایی را بسیاری از دانشمندان در حوزه‌های جغرافیا، علوم اجتماعی، کشاورزی و محیط‌زیست تعریف کرده‌اند. در ایران، این‌گونه تعاریف بیشتر برای ارائه خدمات دولتی و از جنبه سیاسی-اداری-جمعیتی بوده است. باین‌حال، پژوهشگران و اندیشمندان چندی در ایران به دیگر ابعاد مکان روستایی و روستا، مانند حقوق مکان‌ها، جنبه‌های زیستی، نظام جامعه روستایی و جنبه‌های فضایی آن توجه کرده‌اند. شاید درک و آشنایی باشنده هر سکونتگاهی از پدیده زیستی-سکونتی، نیازمند این باشد که نخست تعریفش را بداند و آن را به‌عنوان رهنمود و چراغ راهی برای توسعه و پیشرفت آن سکونتگاه به‌کار برد. این هنگامی نقش خود را بیشتر آشکار می‌کند که پژوهشگران و تسهیلگران با روش‌شناسی کیفی، برای توسعه و برنامه‌ریزی روستایی این سکونتگاه‌ها اقدام کنند؛ زیرا هنگامی که فردی تعریف‌های گوناگونی از سکونتگاه خود را با مشارکت افراد دیگر ارائه کند، همسو با ابعاد آن، نیازها و خواسته‌های گوناگونی هم مطرح خواهد شد و چه‌بسا با برآوردن این نیازها و خواسته‌ها به‌وسیله و با کمک خود روستاییان، بیرونی‌ها و ذی‌نفعان، سبب توسعه یک سکونتگاه شود. در این کارگاه‌های مشارکتی، نخست به پرسش‌هایی مانند چیستی مکان روستایی و تعریف واژه روستا پاسخ داده می‌شود و هم‌زمان با این دو پرسش، درباره‌ی وجه تسمیه و چرایی مکان‌گزینی این دو سکونتگاه نیز گفت‌وگو می‌شود. برای وجه تسمیه، بیشتر مشارکت‌کنندگان روستای سمغان سه واژه و مشارکت‌کنندگان روستای مله‌انبار یک واژه را بیان کردند. همچنین، ده واحد معنایی برای تعریف روستا و مکان روستایی بیان شد که در پی می‌آید.

## ۲- روش‌شناسی

روش انجام پژوهش کنونی کیفی<sup>۱</sup> و از نظر ماهیت، بنیادی است؛ یعنی به‌دنبال مفهوم‌سازی هسته‌های موضوع است. همچنین، به‌دنبال پاسخ به نیازهای توسعه‌ای جامعه محلی و سازمان-

---

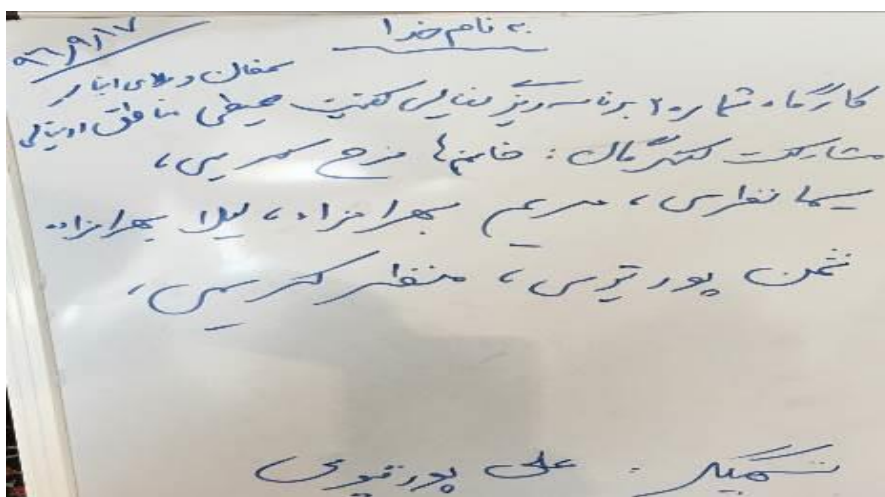
1. Qualitative Method

های توسعه محلی و ناحیه‌ای است و رویه‌ای پدیدارشناسی برپایه تجربه‌های زیسته و راهبردی استفهامی-قیاسی دارد. این پژوهش باتوجه به اندوخته‌های سکونگاه روستایی از تعریف روستا و ماهیت واقعی آن (Van maanen, 1990: 177)، درپی بررسی این پدیده نیز است. گفتنی است که در پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه درمیان روستاییان، میزان اعتماد مردم به پژوهشگر بیرونی کم می‌شود و شاید در فرآیند کار با او همکاری و همراهی نکنند. همچنین، نگارندگان نمی‌خواستند که تعریف روستا را به کل جامعه روستایی ایران تعمیم دهند و خواهان دریافت تجربه زیسته روستاییان در تعریف روستا بودند. در طی فرآیند پژوهش، با تمرکز بر گروه‌های روستایی، آمیخته شدن با زندگی روزانه آن‌ها در قالب کارگاه‌های مشارکتی و با استفاده از ابزارهایی مانند مصاحبه، بحث گروهی انجام شد که مفاهیم آن در چارچوب پنج مصاحبه نیمه-ساختاریافته و پنج کارگاه مشارکتی با حضور گروه‌های روستایی (فعالان مشاغل (کشاورزی، صنعت و خدمات)، جوانان، مسئولان اجرایی و شورا، معتمدان و سرمایه‌گذاران، جمعیت فعال و زنان) مطرح شده است (جدول ۱). روش پیاده‌سازی مصاحبه‌ها این‌گونه بود که نخست باتوجه به پرسش بیان‌شده در رابطه با هسته پژوهش، سخنان و دیدگاه‌های آنان که در طی فرآیند مصاحبه ضبط شده بود، به صورت فایل متنی اجرا و سپس استخراج مفاهیم، واحدهای معنایی و هسته‌های مرکزی تعریف روستا انجام شد. در این میان، این فرآیند تا رسیدن به حد اشباع نظری ادامه یافت (شکل ۲). فرآیند روش نمونه‌گیری به صورت گلوله‌برفی انجام شده است. گفتنی است که در طی فرآیند انجام پژوهش، نگارندگان اصول اخلاقی پژوهش کیفی، مانند بی‌طرفی، راستگویی و امانتداری را رعایت کرده‌اند.

جدول ۱: مشارکت‌کنندگان پژوهش

| گروه‌های مشارکت‌کننده                |        |                       |                         |            |      |      |
|--------------------------------------|--------|-----------------------|-------------------------|------------|------|------|
| فعالان مشاغل (کشاورزی، صنعت و خدمات) | جوانان | مسئولان اجرایی و شورا | معتمدان و سرمایه‌گذاران | جمعیت فعال | زنان |      |
| ۷                                    | ۷      | ۷                     | ۷                       | ۷          | ۷    | شمار |





شکل ۲: کارگاه‌های مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته

## ۲-۱- گام‌های مفهوم‌سازی

هسته کانونی پژوهش که در زیر در چارچوب واحدهای معنایی ده‌گانه آمده، برون‌داد فرآیندی است که با مشاهدات نخستین شناسایی مفهوم‌ها آغاز شده است. سپس متن‌های پیاده‌شده به‌ترتیب به مصداق‌ها، واحدهای معنایی و با یکپارچه کردن واحدهای معنایی هسته کانونی تعریف، استخراج و دسته‌بندی شده است. همان‌گونه که گفته شد، هسته کانونی، واحدهای



معنایی و مصداق‌هایی که در پی می‌آیند، در آغاز پژوهش وجود نداشت و پژوهشگر با کمک مردم روستا راهنمای نخستین مصاحبه‌ها و کارگاه‌های مشارکتی خود را تعیین و پی‌درپی با افزایش داده‌ها و برپایه چارچوب روش پژوهش کیفی پدیدارشناسی، پس از هر مصاحبه یا کارگاه مشارکتی، آن‌ها را پیاده‌سازی کرد. همچنین، باتوجه به تجربه‌های این فرآیند، مسیر تازه‌ای برای کشف مفهومی‌های بیشتری آشکار و واحدهای معنایی و مفهومی‌های بیشتری به پژوهش افزوده شد.

### ۳- مبانی نظری

روستا را از نظر مفهوم و تعریف، پیوسته در رابطه با شهر بررسی می‌کنند. این تعریف واحد سکونتگاهی از یک کشور به کشور دیگر گوناگون است و برای تفکیک روستا از شهر سنجه‌هایی در نظر گرفته می‌شود (Saeedi, 2012: 18). مفهوم زندگی روستایی هنوز هم در شیوه اندیشه مردم درباره هویت و زندگی روزمره خود مهم است. امروزه، رویکرد چیره در پژوهش‌های روستایی این است که زندگی روستایی را یک نظام اجتماعی در نظر بگیریم و پژوهشگران می‌کوشند تا بفهمند که چگونه مکان‌ها، سنت‌ها، کنش‌ها و مردم ویژه‌ای روستایی شناخته می‌شوند (Woods, 2012: 24-25).

روستا بیشتر یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک کانون جمعیت و محل کار و سکونت (کانونی، پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می‌شود. بیشتر باشندگان شاغل دائمی روستا آشکارا و یا پنهانی به یکی از کارهای پایه‌ای کشت‌وکار، باغداری، دامداری، ماهی‌گیری، صنعت روستایی و آمیزه‌ای از این فعالیت‌ها اشتغال دارند. پیوند فرهنگی و اجتماعی ژرفی میان جامعه روستا برقرار است و در عرف، به‌عنوان آبادی، روستا و یا ده شناخته می‌شود (ZiaTavana, 1990: 5). روستا مکان زیستی و تولیدی شماری از جمعیت است که از نگاه شمار باشندگان جمعیت کمتری در مقایسه با شهر دارد؛ زیرا روند فرآوری و بهره‌وری‌های اقتصادی در گستره‌های روستایی به-کلی دگرگون شده است و روستاهای با اقتصاد آمیخته با کمک زیربخش‌های اقتصاد (کشاورزی، گونه‌های فعالیت‌های صنعتی، خدماتی و گردشگری و ...) به فرآوری و بهره‌وری اقتصادی سرگرم هستند (Motiei Langroudi, 2013: 34).



جدول ۲: مفهوم روستا از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران

| پژوهشگر           | دیدگاه/ تعریف  |
|-------------------|--|
| عظیمی             | قرار گرفتن محتوای سیاسی- اداری در کنار محتوای واقعی روستا  |
| ایروانی           | کانون تولید مواد غذایی، محل زندگی، تولد و زندگی (حیات)   |
| ثبوت              | مجموعه‌ای از یک یا چند مکان و زمین‌های بهم‌پیوسته بیرون از محدوده شهرها که دارای محدوده ثبوتی و عرفی مستقل باشد. |
| جبارلوی<br>شبستری | مبدأ تقسیمات کشوری که همگنی زیستی دارد و در فعالیت‌های کشاورزی و صنایع دستی و ترکیبی از آن‌ها شاغل است.          |
| پاپلی<br>یزدی     | بنیادی‌ترین افراد اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی کشور که توسعه آن‌ها نقشی پایه‌ای در فرآیند توسعه ملی دارد.           |
| فرید              | محل تولیدات کشاورزی  |
| حسینی<br>آبری     | پهنه‌ای جغرافیایی که معیشت بیشتر آن‌ها از راه دادوستد میان انسان و عوامل تجدیدپذیر طبیعی فراهم می‌شود.           |

در برخی از کشورها، روستا پنداشتی است که به‌روشی گسترده به‌کار نمی‌رود؛ ولی بازدیدکنندگان از این کشورها با فضاهایی روبه‌رو می‌شوند که از دیدگاه آنان روستا به‌شمار می‌آید. بنابراین، اگر دریافت ما از پنداشت روستا از دیدگاه فردی ویژه نیست، دست‌کم از دیدگاه فرهنگی ویژه است. کسی که در گستره‌های روستایی پرجمعیت جنوب‌شرقی انگلستان زندگی می‌کند، شاید در هم‌سنجی با کسی که در داکوتای شمالی زندگی می‌کند، دیدگاه ناهمگونی به درجه روستاگرایی دارد. یک خانواده مزرعه‌دار در گستره‌های روستایی نیویورک دیدگاه ناهمگونی با یک گردشگر شهرنشین آمستردامی دارد (Woods, 2011: 501). سندرسن، جامعه‌شناس روستایی، با توجه ویژه به جامعه روستایی ایالات متحده، جامعه روستایی را گستره‌ای می‌داند که باشندگان در کشتزارهای دور از یکدیگر و در محلی که روی هم‌رفته کانون انجام کار و تکاپوهای اجتماعی و اقتصادی مشترک آن‌ها است، سکونت دارند و دارای روابط، نهادها و پیوستگی‌های مشترک هستند (Mohseni, 2011: 305). لمبتون روستا را برابر دهکده و یک واحد تشکیلاتی دانسته که پایه زندگی اجتماعی ایران را ساخته و جایی بوده است که در آن، دسته‌هایی از مردم خود را برای همکاری اقتصادی و سیاسی سازمان داده‌اند. او ارزش ده را به این اعتبار دانسته که یک سازمان در روستا است (Lambton, 1952: 37). روستا



عبارت است از فضایی اجتماعی که در آن، باتوجه به تراکم و انباشت نسبی ناچیز جمعیت، نوع ویژه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی (بیشتر کشاورزی) غلبه دارد. در این نوع از اجتماع، فعالیت‌های بخش صنعت و به‌ویژه بخش خدمات و بازرگانی، محدود است. روابط اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی بیشتر در گستره‌های محدود و آشکار جریان دارد و باشندگان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام روستا آشکار می‌شود. این مجموعه مکانی- فضایی برپایه رابطه‌های اجتماعی- اقتصادی ویژه و بستگی‌ها و پیوندهای ویژه محیطی- بوم‌شناختی، اجتماع ویژه‌ای را به‌وجود می‌آورد که می‌توان آن را فضای روستایی خواند (Saeedi, 2011: 20). هیچ تعریف استاندارد فرامرزی از روستاها وجود ندارد. هنگام هم‌سنجی آمار میان کشورها، نبود یک تعریف فراگیر می‌تواند پی‌درپی سردرگمی ایجاد کند. بازبینی تعریف‌هایی که پیش‌تر به‌کار رفته، سه بعد مشترک سکونتگاه پراکنده روستایی، پوشش زمین و کاربری زمین- ها و دوری از کانون‌های شهری را آشکار کرد. این درحالی است که درنظر گرفتن هر سه بعد برای طراحی و تجزیه و تحلیل سیاست‌ها به‌شيوه نهانی سودمند است (FAO, 2018).

تعریف روستا می‌تواند برای هم‌سنجی شرایط همانند در سراسر کشور بسیار مهم باشد و به‌کار رود. اگر درآمدهای خانوارهای کشاورز در سراسر کشور هم‌سنجی شود، باید خانوارهایی که در مکان‌های دارای محصولات کشاورزی هستند با خانواده‌های این نوع مناطق در کشورهای دیگر همسان درنظر گرفته شوند. مانع دیگر برای هم‌سنجی این است که مناطق روستایی از نظر اندازه بسیار گوناگون هستند. همچنین، گونه ویژه‌ای از گستره‌های روستایی در یک کشور دو یا سه برابر اندازه کشور دیگر است. اگر اندازه جمعیت در هر دو منطقه یکسان باشد، آشکارا چگالی نخستین کمتر از دومی خواهد بود. بنابراین، در هم‌سنجی‌های فرامرزی، تعریف روستا باید در گزینش ابعاد و در حوزه کالبدی واحدهای موردسنجش، درمیان کشورها سازگار باشد. تعریف قابل‌مقایسه فرامری از روستا برپایه ابعاد سکونتگاه پراکنده استوار است و بر بخش‌های جغرافیایی با اندازه یکسان درنظر گرفته می‌شود. از دیدگاه جغرافیایی، آشکار است که اندازه کالبدی واحدهای اداری و یا سیاسی میان دو کشور و در درون آن بسیار گوناگون است. بنابراین، مرزهایی که این واحدها را تعریف می‌کنند مانند سرشماری می‌توانند در زمان بسیار کوتاهی تغییر کنند. آنچه موردنیاز است تعیین مداوم واحد اصلی فضایی است که این تعریف در آن اعمال شود. بنابراین، تعریف هماهنگ روستا که در اینجا پیشنهاد شده است، باتوجه به انتخاب ابعاد (سکونتگاه پراکنده) و واحد فضایی (باخته شبکه)، سازگاری خواهد داشت.

جدول ۳: تعریف روستا در دیگر کشورها

| کشور          | سنجه‌های تعریف  | تعریف گستره‌های روستایی  |
|---------------|---|--|
| کلمبیا        | ناحیه غیراداری، ناراضی از برآوردن نیازهای پایه‌ای                     | تمامی گستره‌هایی که به‌عنوان شهر بخش‌بندی نشده‌اند (کانون‌های پرجمعیت روستایی و گستره‌های روستایی پراکنده). نسبتی از جمعیت که از برآوردن نیازهای پایه‌ای خشنود نیستند.         |
| اتیوپی        | ناحیه غیراداری، اندازه جمعیت، کسب‌وکار چیره کشاورزی                   | گستره‌های روستایی همه مناطق را دربر می‌گیرد که به‌عنوان شهر بخش‌بندی نشده‌اند. کمتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارد یا بیشتر باشندگان آن به کسب‌وکار کشاورزی مشغول هستند.               |
| فرانسه        | ناحیه غیراداری، گونه سکونتگاه، شمار مشاغل یا محل کار منطقه شهری نباشد | گستره‌های روستایی، تمامی شهرداری‌های کوچک شهری و شهرداری‌های روستایی را دربر می‌گیرد که به گستره‌های بیشتر شهری وابسته نیستند، گستره‌های زیر ۱۰۰۰۰ تن جمعیت، حلقه‌های پیراشهری |
| مالزی         | گستره‌های اداری، اندازه جمعیت، کار بیشتر کشاورزی                      | گستره‌های زیر ۱۰۰۰۰ تن جمعیت، همه جاهایی که به‌عنوان شهر تعریف نشده‌اند.   |
| پاکستان       | مناطق اداری   | همه جاهایی که به‌عنوان شهری تعریف نشده‌اند.  |
| آفریقای جنوبی | گستره‌های سکونتگاهی، فعالیت اقتصادی و کاربری زمین                     | همه جاهایی که به‌عنوان شهری تعریف نشده‌اند.  |

### ۳-۱- وجه تسمیه روستای سُمغان

۱. سَمَنگان: در قدیم مانند الآن، تقریباً مکان‌ها را با عناوین بزرگان مقایسه و نام‌گذاری می‌کردند. سُمغان هم ریشه‌ای تاریخی دارد. شاید در قدیم شاهنامه‌خوانی میان مردم مرسوم بوده و به‌دلیل دل‌بستگی شدید به شاهنامه، روستای خود را به نام محل نام‌برده‌شده در شاهنامه نام‌گذاری کردند.

۲. سامغان: باتوجه به اینکه این واژه در فراخنای تاریخ به سُمغان دگردیسی یافته و واژه «مغان» آشکارا در درون واژه سُمغان هم تکرار شده است، شاید بتوان گفت مغان همان گبر آتش‌پرست بوده و با واژه «سا» ترکیب شده که در واژه‌نامه دهخدا به چماره (معنی) باج و خراجی است که پادشاهان از یکدیگر بستانند. همچنین، در هنگامه‌های باستان، چون نظام حکومتی ایران الگوی ساتراپی (فدرالی) داشته، شاید مغان و روحانیون مذهبی باشند این



سکونتگاه که در دربار حکومتی هم جاه و جلالی ویژه‌ای یافته بودند، خراج‌گذار حکومت ساتراپی و مرکزی بوده‌اند و کم‌کم واژه سامغان برای این سکونتگاه فراگیر شده است.

۳. سه‌مغان: «مغان» یکی از طایفه‌های هفت‌گانه تیره آریایی ماد است. این تیره آریایی از دیرباز و پیش از پیدایش زرتشت، جایگاه دینداری و فرازمینی داشتند و پس از پیدایش زرتشت نیز از سر ناچاری یا خودخواسته به این آیین گرویدند (محسنی، ). این واژه با ترکیب عدد سه و مغان «سه‌مغان» نام گرفته و بیشتر مردم باور دارند که در دوران باستان، سه مغ در این مکان زندگی می‌کردند و بیشتر مردم این سکونتگاه مغ‌پرست بوده‌اند. با توجه به چماره واژه مغان و عدد سه، شاید بتوان گفت دیرینگی این سکونتگاه باستانی به دوره مادها می‌رسد. برخی از مردم عقیده دارند که در گورستان‌های قدیمی روستا قبر گبر وجود دارد و با توجه به اینکه گبرها همان آتش‌پرست‌ها، مغ‌ها و روحانیون مذهبی بودند، ممکن است که این دلیلی بر درستی این خودگویی باشد.

### ۲-۳- چرایی مکان‌گزینی روستای سَمغان

۱. امنیت: در زمان‌های قدیم ناامنی زیاد بوده و مردم بیشتر به راهزنی مشغول بودند، این مکان را انتخاب کردند؛ زیرا امنیت بیشتری دارد و از همه سو با کوه احاطه شده است.
۲. دسترسی به منابع آب: به دلیل دسترسی به آب این مکان را انتخاب کرده‌اند. نمونه آشکار این دسترسی، نظام و سیستم آبرسانی قدیمی است که از چشمه حسو و آب چاه سیاه-شیر تا سطح روستا ادامه داشته است. وجود بقایای چندین آسیاب آبی در کنار رودخانه‌های اطراف روستا (دره‌بیگ و چشمه آب چاه سیاه‌شیر) نیز نشان‌دهنده دسترسی این روستا به منابع آب است.
۳. اهداف نظامی: به دلیل کوهستانی بودن، مورد توجه پادشاهان بوده است؛ به‌ویژه از غار تنگ‌زندان برای نگهداری زندانیان سیاسی و اسرای رومی استفاده می‌شده است.

### ۳-۳- وجه تسمیه روستای ملای انبار

روستای ملای انبار در مقایسه با مناطق دو طرف خود، در جای نسبتاً خوبی واقع شده است. از سوی قائمیه به ملای انبار، به یک گردنه می‌رسیم؛ بنابراین، به دلیل نام «مله» که به معنی بلندی، گردنه، ناحیه و حتی ده است و «انبار» به دلیل وجود انبارهای گندم (کشاورزان به طرز

جالبی گندم را در انبارهای چاه‌مانندی قرار می‌دادند و در برخی از انبارها، وسایل و کاه و جوی خود را هم نگهداری می‌کردند، ملای‌انبار نامیده شده است. این روستا، در مقطعی مظفرآباد، به اسم پدر آقای گرگ‌الله خداوردیلو، نامیده شد و بعداً به ملای‌انبار تغییر یافته است.

### ۳-۴- چرایی مکان‌گزینی روستای ملای‌انبار

۱. راه و جاده ملی: از همان اوان شکل‌گیری هسته نخستین روستا، راه به‌عنوان قلب تپنده آن، مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین دلیل شکل‌گیری‌اش بوده است.
۲. ایل‌راه عشایر: از زمان‌های قدیم، به این دلیل که بیشتر مردم منطقه کوچرو بوده‌اند و نیز اختلاف ارتفاع از سطح دریا با نواحی سردسیر و بیلاقی، مانند بن‌رود و چهل‌چشمه، این منطقه که حلقه پیوند این مکان‌ها است به‌عنوان ایل‌راه عشایر برگزیده شده است. هم‌اکنون این پدیده آشکارا هنگام بهار و پاییز دیده می‌شود.

### ۵- یافته‌ها

#### ۵-۱- واحدهای معنایی مفهوم روستا

۱. جمعیتی- جغرافیایی: به مجموعه جمعیت ناچیز یکجانشین مکان‌های جغرافیایی، مانند دشت‌ها و کوهپایه‌ها که در کنار چشمه، رودخانه و چاه آب مکان‌گزینی کرده، کوچک‌تر از شهر و از نظر جمعیتی پایین‌تر از ۵۰۰۰ تن و بالطبع از نظر امکانات رفاهی و تفریحی و آموزشی و خیابان و معابر در سطح پایین است و معمولاً در نواحی خارج از شهر قرار دارد، روستا گفته می‌شود.
۲. کارکردی: روستا مکانی تولیدکننده است که در آن، افرادی به‌صورت سنتی با فرهنگ‌های نزدیک به هم به تولید مشغول هستند و اکثراً به کشاورزی و دامداری و دامپروری، باغداری و گونه‌های گیاهی، قالی‌بافی، مواد خوراکی، گردشگری و صنایع دستی مشغول هستند و مواد مصرفی خانوار را خودشان تولید می‌کنند. افراد ساکن در روستا متناسب با آب و هوا به شغل‌هایی کم‌هزینه مشغول می‌شوند و مواد اولیه برای تولید در همان منطقه یافت می‌شود. شغل‌هایی چون دامداری موجب ماندگاری افراد در روستا می‌شود. در روستا، زمین باید در امر کشاورزی وی موثر باشد، اقتصاد مبتنی بر تولید از ویژگی‌های روستا است. در روستا معیشت براساس اقتصاد رایج و نوع درآمد به شکل‌گیری تخصص منجر می‌شود؛ مانند ساختن دستگاه شخم‌زنی با گاو و قاطر در قدیم که هنوز هم در باغستان رایج است. روستا باید خوداتکا و پایدار باشد و از درون جوشش خاص



داشته باشد؛ مانند تولید و همکاری گروهی که قدیمی‌ها در امور باغداری کشاورزی، مراسمات و ... انجام می‌دانند و امروز به شکل جدید نام‌گذاری شده (تعاونی‌ها). نوع فعالیت و درآمد و شغل اکثر افراد باتوجه به محیط است؛ مانند دامپروری، کشاورزی، ماهی‌گیری، صنایع دستی و ...).

۳. همبستگی اجتماعی: روستا جایی است که در آن مشارکت زیاد است و صفا، صداقت، صمیمیت، یکدلی، یکرنگی، همدلی، عطوفت و شناخت مردم از یکدیگر همگی وجه تمایز آن از شهر است. اولین اجتماعات بزرگ از روستاها به وجود آمده است، صله رحم عالی، به سکوبندی‌های گود جومرگ، حسو و دیگر جاها بنگرید آیا همچو مکان‌های پهناوری توسط یک نفر کاشت می‌شده و یا کار گروهی، لرهای دشمن‌زیاری‌ها (تیره تری‌تاج) مدعی سرکل سُمغان بودن به همین دلیل مردم سُمغان تصمیم می‌گیرند بصورت مشترک در دشت سرکل گندم بکارند).

۴. جامعه‌شناختی: روستا پایه و اساس زندگی اجتماعی است و باید وجهه روستایی خود را داشته باشد؛ مانند ارتباط اجتماعی خوب، همکاری و تعاون خوب، زندگی مشترک و جمعی و ... در روستا، روابط و دوستی‌ها به شیوه‌های تولید و نوع کارها بستگی دارد. مثلاً دامداران صمیمیت خاصی با همدیگر دارند یا باغدارانی که در باغستان کار می‌کنند تعامل و ارتباط صمیمانه‌تری با سایر اقشار روستا دارند و به واسطه این ارتباط از تجربیات همدیگر در انجام کارها استفاده می‌کنند. از دیگر خصوصیات روستایی مهمان‌نوازی است. یک روستا از مجموعه افرادی تشکیل شده است که با هم روابط فامیلی دارند و افراد همدیگر را بهتر می‌شناسند. یکی از ویژگی‌های روستا این است که از خانوارهای متعدد تشکیل شده است. روستا جایی است که اهالی آن برای همکاری در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، با هم زندگی می‌کنند و لهجه و گویش محلی ویژه خود را دارند.

۵. روان‌شناختی: روستا جایی است دارای ویژگی‌های خاص روستایی، از جمله تلاشگری، فعال و دارای نیازهای مادی و معنوی فراوان ولی هم مشابه آنچه در شهر وجود دارد مثل مسکن، آموزش و ... و بعضاً نوع نیاز متفاوت مثل وفق دادن با شرایط سخت روستا، مردم روستا می‌پذیرند که در زندگی روستایی ممکنه آسایش وجود داشته باشه ولی تقریباً هرگز روی آرامش را بخصوص در مکان‌هایی که مسئولین ذی‌ربط چندان خود را موظف به کار در روستا نمی‌دانند نخواهند دید، اصالت در رأس اونه، شجاعت، شهامت، فعالیت در درجه بالایست زن و مرد تلاششون برای بهتر زیستن هست راضین و مهربان و پاکی و نجابت روستاییان بی‌نظیر هست، دل مردم صاف، بیاد شعر قدیمی که تو کتاب دوران دبستان درباره روستا بود و می گفت: *خوشا بحالت ای روستایی - چه شاد و خرم چه با صفایی / در شهر ما نیست جز دود ماشین - دلم گرفته از آن و از این ...* هر مکانی که

حالت شهری پیدا کند، صفا و صمیمیتش کمتر می‌شود. روستاییان مردمی شاداب، پرانرژی و فعال هستند. زن و مرد برای بهتر زیستن تلاش می‌کنند و راضی هستند. با این حال، ممکن است برخلاف این انتظار که زندگی روستایی توأم با آسایش است، مردم در بخش‌هایی که مسئولان خود را موظف به کار نمی‌بینند، هرگز روی آسایش را نبینند.

6. زیبایی‌شناختی - معماری: نوع خانه‌های مسکونی روستایی زیبا است. بافت هر روستا باعث تمایز آن از سایر روستاها می‌شود. سُمغان به‌دلیل داشتن شکل پلکانی و آسیاب‌های قدیمی بسیار زیبا است.

7. محیط‌زیستی: از نظر منابع طبیعی، دارای منابع بکر و کمتر دست‌خورده، زیبا و فرح‌بخشی که چشم هر بیننده‌ای را خیره خواهد کرد. هوای روستا پاک است. با اینکه زندگی در روستا زندگی در دل طبیعت است، ناآگاهی عده‌ای و کم‌توجهی به طبیعت باعث نابودی این نعمت خدادادی و زبانی جبران‌ناپذیر می‌شود.

8. نهادی: از نظر آداب و رسوم، فرهنگ و زبان‌ها و گویش‌های ویژه نیز بیشتر روستاها غنی و اصیل هستند. در روستا، مردم به‌صورت قبیله‌ای زندگی می‌کنند و به آداب و رسوم احترام می‌گذارند. معمولاً قدرت در دست قبیله‌های پرجمعیت است و در انتخاب شورا و منتخب تأثیرگذارند.

9. سیستم و نظام: روستا مکانی است که بزرگ‌خاندان در آن محترم است و وظایف تقسیم کار میان افراد برای بهتر پیش بردن کارها را انجام می‌دهد. همه در موفقیت شریک هستند. با اینکه در روستا زن و مرد کنار هم تلاش می‌کنند، دست‌رنج آن‌ها توسط واسطه‌ها به بیغما می‌رود. متأسفانه به‌دلیل نداشتن مدیریت بهره‌وری، تولیدکنندگان محصولات خود را با قیمت پایین می‌فروشند و سود آن نصیب دلالان می‌شود. کدخدا پیش‌تر حکم پادشاه روستا را داشت. بزرگ‌فامیل در رأس قرار دارد و سایرین از او پیروی می‌کنند. چرخ اقتصاد یک کشور به روستا وابسته است. در روستا، چند فامیل (طایفه) سکونت می‌کنند و هر فامیل بزرگی دارد که دیگران درمورد موضوعات گوناگون دیدگاه وی را کمابیش می‌پذیرند. نظام جامعه روستایی ساده‌تر از جامعه شهری است. اهالی روستا با هم خویشاوند هستند. از راهکارها و روش‌های رشد و پیشرفت روستا در حوزه مدیریت در قدیم، وجود کدخداها و بزرگان بوده است. به‌منظور همکاری، ایجاد نظم و دادن راهکار اعمال قانون که امروز در قالب شورا و دهیاری به‌عنوان روشی برای رشد و توسعه روستا به‌کار می‌رود (مانند همکاری و نقش واسطه میان مردم و ادارات برای توسعه روستا، آموزش و گسترش بهداشت از درگاه همکاری

با شبکه بهداشت، گسترش امکانات تفریحی و پارک‌های روستایی)، باید در کنار شورا و دهیار یک مشاور توسعه‌ای هم باشد.

۱۰. لکه‌ای- فضایی: روستا مکانی است که همه از تولیدات آن بهره‌مند می‌شوند. روستاییان می‌کارند و دیگران از آن بهره می‌برند. در واقع، شهر بدون روستا ارزشی ندارد. آنها زحمت می‌کشند تا مردم شهر در آسایش باشند.

در جدول زیر، گام‌های رسیدن به هسته کانونی پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۴: گام‌های پژوهش

| مصادق‌ها →  | مفهوم‌ها →            | هسته کانونی |
|---|-----------------------|-------------|
| به مجموعه جمعیت ناچیز یکجانشین مکان‌های جغرافیایی، مانند دشت‌ها، کوهپایه‌ها که در کنار چشمه ...                           | جمعیتی- جغرافیایی     | تعریف روستا |
| روستا مکانی تولیدکننده است که در آن، افرادی به‌صورت سنتی با فرهنگ‌های نزدیک به هم به تولید مشغول هستند ...                | کارکردی               |             |
| روستا جایی است که در آن، مشارکت زیاد است و صفا، صداقت، صمیمیت، یکدلی، یکرنگی ...  | همبستگی اجتماعی       |             |
| روستا پایه و اساس زندگی اجتماعی است. باید وجهه روستایی خودش را داشته باشد ...   | جامعه‌شناختی          |             |
| روستا جایی است دارای ویژگی‌های خاص روستایی، از جمله تلاشگری، فعال و دارای نیازهای ...                                     | روان‌شناختی           |             |
| نوع خانه‌های مسکونی روستایی زیباست. ...   | زیبایی‌شناختی- معماری |             |
| از نظر منابع طبیعی، دارای منابع بکر و کمتر دست‌خورده، زیبا و فرح‌بخشی که چشم هر بیننده‌ای را خیره خواهد کرد. ...          | محیط‌زیستی            |             |
| از نظر آداب و رسوم، فرهنگ و زبان‌ها و گویش‌های ویژه نیز بیشتر روستاها غنی و اصیل هستند. ...                               | نهادی                 |             |
| روستا مکانی است که بزرگ‌خاندان در آن محترم است و وظایف تقسیم کار میان افراد برای بهتر پیش بردن کارها را انجام می‌دهد. ... | سیستم و نظام          |             |
| در واقع شهر بدون روستا ارزشی ندارد. آنها زحمت می‌کشند تا مردم شهر در آسایش باشند. ...                                     | لکه‌ای- فضایی         |             |

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

شاید نخستین کنجکاوی‌های باشندۀ هر سکونتگاهی درک پدیده زیستی- سکونتی است. برای این منظور، نخست باید تعریف آن را بداند و آن را به‌عنوان رهنمود و چراغ راهی برای توسعه و پیشرفت آن سکونتگاه به‌کار برد. روستا و مکان روستایی را بسیاری از دانشمندان در حوزه‌های علوم جغرافیایی، علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی



و مدیریت)، کشاورزی، محیط‌زیست و برنامه‌ریزی توسعه تعریف کرده‌اند. در ایران، این‌گونه تعاریف بیشتر برای ارائه خدمات دولتی و از جنبه سیاسی-اداری-جمعیتی بوده است. با این حال، برخی پژوهشگران و اندیشمندان در ایران، مانند افتخاری، به دیگر ابعاد مکان روستایی و روستا، مانند حقوق مکان‌ها، جنبه‌های زیستی، نظام جامعه روستایی و جنبه‌های فضایی آن، توجه کرده‌اند. بنابراین، با توجه به روش پدیدارشناسانه چیره بر انجام پژوهش و مشارکت مشارکت‌کنندگان پژوهش و با در نظر گرفتن واحدهای معنایی پژوهش، تعریف زیر برای مفهوم روستا ارائه شد:

روستا، مجموعه فضاهای جغرافیایی و لکه‌های زیستی- سکونتی است که دارای کارکردهای چندگانه کشاورزی، تولیدی، خدماتی، صنعتی، گردشگری و ...، جمعیتی به مراتب کمتر از سکونتگاه‌های شهری، همبستگی اجتماعی قوی و روابط بیرونی و درونی بسیار گسترده به سکونتگاه‌های دور و نزدیک خود است. همچنین، روحیه تلاشگری و تولید ویژگی گوهری آن است.

با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه واحدهای معنایی پژوهش از دیدگاه پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه، بیشتر تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان پژوهش در چارچوب پژوهش‌های زیر واکاوی شده است که می‌توان نتایج این پژوهش را با آن‌ها تطبیق داد:

در مورد واحد معنایی کارکردی تعریف روستا، جمعیتی- جغرافیایی و همبستگی اجتماعی، پژوهشگرانی مانند پورطاهری (۲۰۰۳)، افتخاری و فیروزنیا (۲۰۰۳)، سعیدی (۲۰۱۲)، Rural Development Institution (۲۰۱۴) و گیلانی‌نیا (۲۰۱۵)، واحد معنایی جامعه‌شناختی، سعیدی (۲۰۱۲) و افتخاری و فیروزنیا (۲۰۰۳)، واحد معنایی روان‌شناختی، لندینی و دیگران (۲۰۱۴)، واحد معنایی زیبایی‌شناختی- معماری تاراجکو (۲۰۱۲)، واحد معنایی محیط‌زیستی پاپلی یزدی (۲۰۰۳)، واحد معنایی سیستم و نظام، افتخاری و فیروزنیا (۲۰۰۳) و در مورد واحد معنایی لکه‌ای- فضایی، Rural Development Institution (۲۰۱۴) به روشی کمی و کیفی پژوهش کرده‌اند. تفاوت این پژوهش با کار آن‌ها استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی است. مفهوم‌سازی دوباره واژه‌های مانند روستا آموزنده و راهی به سوی باز شدن نیازها و خواسته‌های یک سکونتگاه روستایی است؛ زیرا از راه پیوند میان اجزای به هم پیوسته آن و با نگاهی سامانمند با توجه به رویکردهای جدید توسعه، می‌تواند به عنوان نهادی برای روشن کردن ابعاد آن مطرح



باشد. روستاهای سُمغان و ملای انبار به‌عنوان پدیده زیستی- سکونتی نیازمند این کار است. نخست باشندگان آن و برنامه‌ریزان توسعه روستایی دست به تعریفی همه‌جانبه از روستا به‌دست دهند که این خود به عنوان رهنمود و چراغ راهی برای توسعه آن باشد. این فرآیند هنگامی نقش خود را بیشتر آشکار می‌کند که پژوهشگران و تسهیلگران با روش‌شناسی کیفی و شاید پدیدارشناسی و با رویکردی استقفاهی- قیاسی دست به تعریف و همچنین توسعه و برنامه‌ریزی برای این سکونتگاه‌ها بزنند. همچنین، در جستارهای توسعه جدید و جایگزین هنگام برنامه‌ریزی سکونتگاهی، پشتگرمی به پنداره‌های روستایی خواه‌ناخواه میزان امکان‌پذیری آن را زیادتر می‌کند. با نگاهی به برخی پژوهش‌های انجام‌شده و همچنین هسته‌های پژوهش، می‌توان به این نکته پی برد که انجام هرگونه برنامه‌ریزی بدون مشارکت بهره‌وران در فرآیند برنامه‌ریزی، بی‌گمان کارایی و بهره‌وری آن را بسیار کم خواهد کرد. با توجه به رویکرد پدیدارشناسانه چیره بر فرآیند پژوهش که در پی آشکار کردن تجربه‌ها و اندوخته‌های زیسته باشندگان این سکونتگاه از برنامه‌ریزی است، به شیوه‌ای کارآمد و سرشار از علاقه درصدد کمک به انجام این کار بودند، چرا یک شکاف برنامه-ریزی هم از دیدگاه فراهم و تهیه‌ی طرح‌ها هم در فرآیند اجرا و پایش آن‌ها در سکونتگاه‌های روستایی ایجاد شده است که با پر کردن و کاهش این شکاف میزان اثربخشی و رسیدن به اهداف توسعه پایدار را دوچندان خواهد کرد. باید به این نکته هم اشاره کرد که چون هدف از انجام این پژوهش مفهوم‌سازی تعریف روستا بود، به مجرد به اشباع رسیدن، واحدهای معنایی مانند جمعیتی- جغرافیایی، کارکردی، همبستگی اجتماعی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زیبایی- شناختی- معماری، محیط‌زیستی، نهادی، سیستم و نظام و لکه‌ای- فضایی استخراج شد و سپس تعریف روستا با مشارکت و همکاری آن‌ها ارائه شد: روستا، مجموعه فضاهای جغرافیایی و لکه‌های زیستی- سکونتی است که دارای کارکردهای چندگانه کشاورزی، تولیدی، خدماتی، صنعتی، گردشگری و ...، جمعیتی به‌مراتب کمتر از سکونتگاه‌های شهری، همبستگی اجتماعی قوی و روابط بیرونی و درونی بسیار گسترده به سکونتگاه‌های دور و نزدیک خود است. همچنین، روحیه تلاشگری و تولید ویژگی گوهری آن است.

## ۷- منابع

- Creswell, John (2012): *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches: Narrative, phenomenology, Grounded theory,*

ethnology, and case study, Ttranslated by H, Danaeifard & H, Kazemi, 2Th Edition, Saffar-Eshraghi, Publishing.

- FAO (2018): Guidelines on defining rural areas and compiling indicators for development policy.
- Firooznia, Ghadir and Eftekhari, Abdolreza Roknodin (2003): The place of rural area in national development process form experts' point of view, Tehran, published by the Rural Development Institute of Iran.
- Gilaninia, Roghayeh (2015): village, villagers and rural development, singaporean journal of business economics, and management studies vol.3, no.6.
- ILO (2016) Definitions of rural/urban areas for use in labour statistics: Analysis of the most common criteria used. ILO Department of Statistics, Geneva.
- Jomehpour, Mahmoud (2010): An Introduction to Rural Development Planning: Perspectives and Methods, Tehran, Samat Press.
- Kowalska, Justyna Tarajko (2012): In the Search of Inspiration-Color and Pattern Harmonies in the Traditional Rural Architecture in Poland, obuda University e-Bulletin Vol. 3, No. 1.
- Lambton, Ann Katherine Swynford (1952): Landlord and peasant in Iran, Transleted By Amiri Manouchehr, Tehran, book translation and publishing company.
- Landini Pablo, Fernando: Ernest Long, Norman: Leeuwis, Cees: Murtagh, Sofía (2013): Theoretical Guidelines for a Psychology of Rural Development, cuad. desarro. rural, bogota (colombia) ii (74). Leadership of Place.
- Mohseni, Manouchehr (2011): Introduction to Sociology, Tehran, Second Edition, Doran Press.
- Motiei Langroudi, Hassan (2013); Rural planning with emphasis on Iran, published by Mashhad University Jihad.
- Rezvani, Mohammad Reza (2011): Rural Development Planning in Iran, Tehran, Qoms Press.



- Saeedi, Abbas (2012): Rural Geographical Foundations, Tehran, Samat Press.
- Van maanen, M (1990): Researching lived experience: Human science for an action sensitive pedagogy. London, ontarion, Canada: University of Western Onario.
- Woods, Michael (2011): Rural Geography (Processes, Responses and Experiences in Rural Restructing), Translated by Mohammad Reza Rezvani and Samet Farhadi, Tehran Press
- Zia Tavana, Hassan (1990): "A brief look at the village and its evolution mechanism in Iran", Journal of the Development of Geography Education, Year 6, No. 24.